



مرحوم آیت الله العظمیٰ حاج سید احمد
حسینی زنجانی (قدس سره)



مرحوم آیه الله العظمی حاج سید احمد حسینی زنجانی که فقیهی بزرگ و پارسائی پرهیزگار و متخلّق به اخلاق الهی بود، در «هنگام زوال رابع شهر صفر»^۱ سال ۱۳۰۸ هجری قمری در شهرستان زنجان دیده به جهان گشود و در حوزه علمیّه این شهر در محضر اساتید بزرگ و عالیقدر کسب فیض نمود. پس از تأسیس حوزه علمیه قم توسط مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (اعلی الله مقامه)، صیت فضیلت آن عالم عالی مقدار و نیز وقوع حوادثی، وی را به شهر قم کشید، و در روز دوم جمادی الثانیّه ۱۳۴۶ قمری، رحل اقامت موقتی در این شهر افکند، ولی علاوه بر جذبۀ مرحوم حاج شیخ، ضرورت حفظ حوزه نوپای قم، عزم رحیل وی را بدل به اقامت دائمی نمود و با بهره گیری از محضر آن مرحوم و علماء بزرگ دیگر، خود در کرسی تدریس و تألیف و قضاء حوائج مؤمنین قرار گرفت و سرانجام پس از ۸۵ سال عمر با برکت و سالیان دراز، کوشش در راه دین و نشرفقه جعفری در این شهر، دیده از جهان فرو بست، وفات آن انسان الهی در حدود چهار ساعت پس از نیمه شب شنبه ۲۹ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۳ مطابق با پنجم آبان ماه ۱۳۵۲ به وقوع پیوست و حوزه های دینی و مجامع علمی را در سوگ نشانند، پیکر آن مرحوم پس از تشییعی با شکوه در جوار حضرت معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپرده شد رحمة الله تعالی علیه رحمة واسعة.

در این مجال مختصر، گوشه هایی از زندگی این مرد بزرگ و ویژگیهای ممتاز فقهی و اخلاقی و سائر خصوصیات برجسته وی بیان می شود، باشد که با تذکار شخصیت این عالم خودساخته، اندکی از دین خود را نسبت به وی ادا کرده باشیم.

خاندان آن مرحوم

پدر آن مرحوم، سید عنایت الله بن مهرعلی بن امام قلی بن اجاق قلی دوسرانی از شاگردان آخوند ملا قربانعلی زنجانی (م ۱۳۲۸) و از شاهدان عادل محکمه ایشان بود، وی از نظر تقوی و ملکات نفسانی از افراد بسیار کم نظیر بوده و در حسن نیت و تقید به جهات شرع

۱ - این عبارت ماده تاریخ ولادت آن مرحوم می باشد که توسط خود ایشان ساخته شده است.



بسیار ممتاز بوده است.

در مورد اجداد وی آنقدر که به دست آمده این است که آنها ابتداء در قصبه‌ای به نام «ترک» از توابع میانه می‌زیسته‌اند، از محل سکناى ایشان قبل از آنجا اطلاعی در دست نیست، سپس از این قصبه به دهی به نام «مُشَمِّیا» و از آنجا به روستائی به نام «باغ» و سپس به دهی دیگر در مجاورت آن به نام «دوسران» مهاجرت می‌کنند، مرحوم آقا سید عنایت الله که زاده این روستا بوده، در حدود سال ۱۲۸۸ که تقریباً ۳۰ سال داشته است به زنجان مسافرت کرده و در آنجا سُکُنی گزید و در همین شهر در سال ۱۳۴۳ درگذشت.

حوزه علمیه زنجان در آن دوران

شهرستان زنجان سابقه تاریخی علمی بسیار قدیمی داشته و رجال علمی بزرگی از آنجا برخاسته‌اند، محمد بن هارون زنجانى از اساتید مکاتبه‌ای شیخ صدوق (ره، م ۳۸۱) و علی بن هارون زنجانى از مؤلفین اخوان الصفا، از رجال زنجان بوده‌اند.

مهمترین دوران علمی این شهر در حدود یک قرن قبل است، در این هنگام زنجان دارای حوزه علمیه‌ای بوده است که از شهرستانهای دیگر برای استفاده علمی به آنجا مسافرت می‌کردند، طلاب قفقاز مرحله عالی تحصیل را در اردبیل و سطح بالاتر آن را در زنجان می‌گذراندند، پس از زنجان حوزه نهائی و اعلاى شیعه، حوزه نجف و حوزه اصفهان بوده است، بخصوص دوران تحصیل مرحوم زنجانى، زمان اوج نشاط علمی زنجان بود، دوازده مدرسه علمی قابل ملاحظه و برخی بسیار بزرگ و جالب، مملو از طلاب بود، در اواخر قرن سیزدهم شخصیت‌های مهمی در زنجان بوده‌اند، نظیر آخوند ملا علی قار پوزآبادی (م ۱۲۹۰)، حاج میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانى سرسلسله خاندان میرزائی‌های زنجان (م ۱۳۹۲)، و پس از اینها شخصیتاتی نظیر فرزندان میرزا: حاج میرزا ابوالمکارم (م ۱۳۳۰)، حاج میرزا ابوطالب (م ۱۳۲۹)، حاج میرزا ابو عبدالله (م ۱۳۱۶) وجود داشته‌اند.

اما در این زمان شخصیتی در زنجان ظهور کرد که در طول تاریخ طولانی زنجان، شخصیتی به علمیت و نفوذ و قدرت او دیده نشده است، او آخوند ملا قربان علی زنجانى (م ۱۳۲۸) رئیس مطاع و مرجع تام الاختیار زنجان و برخی نواحی دیگر بود که تقریباً مقدرات



این شهر با اشاره وی تعیین می‌شد، آن فقیه نامور — که در زنجان از او به لقب حجة الاسلام یاد می‌شد — از نوابغ علم و زهد و قدرت و نفوذ و جنبه‌های معنوی بود، و علاوه بر اینکه خود صاحب نظر بود، حافظه عجیبی داشت و تمام فقه را از اول تا آخر بصورت استدلالی با تمام ادله و با بسط مفصلی در خاطر محفوظ داشت و بنا بر مسموع، درس خارج فقه را با تمام روایات و ادله، بدون مطالعه قبلی از حفظ اداره می‌کرد.

در همین دوران و بعد از آن، عده‌ای که عمده اساتید مرحوم آیت الله زنجانی بودند، نیز از رجال علمی درجه اول بوده‌اند و آن مرحوم از محضر این اساتید به حد وافر آخذ علم نمود.

اساتید

۱ □ — مرحوم آیت الله حاج شیخ زین العابدین زنجانی (م ۱۳۴۸) از شاگردان بسیار میرزا مرحوم آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹)، مرحوم آیت الله زنجانی رسائل و چندین سال خارج را در محضر ایشان تلمذ نمود.

۲ □ — مرحوم آیت الله میرزا عبدالرحیم فقاہتی (م صفر ۱۳۶۵) از شاگردان میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲) و آخوند خراسانی وی استاد مکاسب مرحوم آیت الله زنجانی بوده است.

۳ □ — مرحوم آیت الله آقا میرزا ابراهیم فلکی حکمی زنجانی (م رمضان ۱۳۵۱)، وی از شاگردان میرزای آشتیانی در منقول و حکیم جلوه در معقول و فردی جامع بود، ولی به دلیل تبخّر خاصی که در ریاضیات و علوم وابسته به آن داشت و برخی او را وحید عصر در این رشته‌ها می‌دانستند، به آقا میرزا ابراهیم ریاضی اشتهار یافت، مرحوم آیت الله زنجانی کتاب قوانین و برخی از رشته‌های ریاضی را نزد وی فرا گرفت.

۴ □ — مرحوم آیت الله آقا شیخ عبدالکریم خوئینی زنجانی (م ۱۳۷۱)، از شاگردان مرحوم آخوند و مؤلف خودآموز فارسی بر کفایه، وی استاد کفایه آن مرحوم بود.

۵ □ — عالم مجاهد آقا میرزا احمد زنجانی (پدر حاج شیخ محمد آقا آیت اللهی که از علماء محترم زنجان است)، استاد فصول ایشان بوده است.

۶ □ — عالم ربّانی حاج سید حسن زنجانی (م ۲۲ رجب ۱۳۳۲)، استاد حکمت



شرح منظومه سبزواری.

اینها عمده اساتید ایشان در زنجان بوده اند، برخی، از جمله اساتید ایشان، آخوند ملا قربان علی زنجانی و مرحوم آیت الله آقا شیخ فیاض زنجانی (م ۱۳۶۰) را بر شمرده اند ولی این مطلب صحیح نیست.^۱

□ ۷ - مرحوم آیت الله حاج آقا محمد آقازاده (م ۱۳۵۶) فرزند آخوند خراسانی. ایشان در سال ۱۳۳۹ به مشهد مقدس مسافرت کرد و در جلسه درس مرحوم آقازاده حاضر شده و تقریرات درسشان را نیز به رشته تحریر درآورد.

اساتید آن مرحوم در قم

□ ۸ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد صادق خاتون آبادی (م ۱۳۴۸) که علاوه بر جودت فهم، در بیان و تقریر مطالب، جزء افراد بسیار کم نظیر بود.
□ ۹ - مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی معروف به مسجد شاهی (م ۱۳۶۲) که از خانواده های مهم علمی اصفهان و جامع معقول و منقول و ریاضی و ادب و شعر بوده و مقام ادبی وی مورد پذیرش ادباء بزرگ عرب قرار گرفته بود.
هنگام ورود مرحوم آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی (م ۲ رجب ۱۳۴۶) به قم در همین سال، این دو نفر از شخصیتهای مهم اصفهان نیز به قم آمدند، و در این هنگام مرحوم آیت الله زنجانی در درس ایشان شرکت کرده و تقریرات درسشان را نیز نگاشت.

□ ۱۰ - مهمترین استادی که ایشان از محضرشان کسب فیض نمود مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۷ ذی قعدة ۱۳۵۵) مؤسس حوزه علمیه قم بود، ایشان (آقای زنجانی) در زنجان - ایام اقامت مرحوم حاج شیخ در اراک - آن فقیه جلیل القدر را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و بدین جهت عده زیادی از مردم زنجان مقلد مرحوم حاج شیخ شدند، مرحوم زنجانی از ابتداء مهاجرت به قم^۲ تا هنگام وفات آن مرحوم تقریباً بطور مرتب در

.....

۱ - ر. ک. نقباء البشر، ج ۱/۱۱۶، و مقایسه کنید با آئینه دانشوران / ۷۰.

۲ - در اینجا باید از بانویی شایسته که وسیله مهاجرت ایشان را به قم فراهم آورد به نیکی یاد کرد، وی خانم احتجاب السلطنه بانی مسجد و مدرسه خانم در زنجان بود.



درشان شرکت کرده و تقریرات آن مرحوم را نیز نوشت.

جلسات تدریس و بحث

ایشان در زنجان از مدرّسین سطوح عالیّه بود، و اینگونه دروس در قم نیز ادامه یافت، زمانی که از معظم له درخواست درس خارج شد، ایشان تألیف را بر تدریس ترجیح داده و به نوشتن کتب پرداخت.

از هم بحثهای ایشان در زنجان می‌توان مرحوم آیت الله آقا میرزا محمود امام جمعه (م ۱۳۷۴) را نام برد، در قم نیز در دو جلسه بحث مهم شرکت می‌کرد، یکی جلسه ای بود که مؤسس آن مرحوم آیت الله العظمی صدر (م ۱۳۷۳) بود و آیت الله زنجان در آن شرکت فعال داشته و از ارکان آن به شمار می‌رفت و غالباً جلسات در منزل ایشان تشکیل می‌شد، در این جلسه بر برخی از کتب فقهی مانند مجمع المسائل آیت الله حائری، وسیلة النجاة و عروة الوثقی حاشیه زده‌اند، جلسه بحث دوم، جلسه ای بود که آن عالم بزرگ و رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی دو رکن عمده آن محسوب می‌شدند، ایشان در همان سال ورود به قم توسط مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی (م ۱۳۹۶) با معظم له آشنا شده و چنان با هم رفیق و صمیمی گردیدند که نظیر آن کمتر دیده می‌شود، جلسه بحثی دیگر نیز به مدت کوتاهی بین این دو عالم بزرگ و مرحوم آیت الله حاج سید محمد محقق (م ۱۳۸۸) برگزار می‌شد.

ویژگیهای فقهی و علمی

مرحوم آیت الله زنجان احاطه فوق العاده ای به فقه و مبانی فقهاء داشت، و حضرت آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی - که از فقهاء طراز اول کنونی می‌باشند - از این جهت بسیار به ایشان به دیده اعجاب می‌نگریست و می‌فرمود: آقای زنجان یک شبه، تمام قسمت صلاة از یک کتاب فقهی را از حفظ حاشیه زد، شش جلد جواهر^۱ مانند انگشتر در دستهای ایشان است که آن را به هر طرف بخواهد می‌گرداند.

.....

۱ - مجموع کتاب جواهر الکلام در آن تاریخ در ۶ جلد به قطع بزرگ، چاپ شده بود.



علاوه بر جهات حفظی، ذوق فقهی ایشان در اثر ممارست، خیلی قوی شده بود، و بدین جهت، فقهی روشن و بی تکلف را واجد بود، روایات را بسیار صاف و عرفی و بدون ابهاماتی که معمولاً بر اثر ممارست ذهن با اصطلاحات علمی و دروس معمول حوزه پدید می‌آید، معنی می‌کرد، به گونه‌ای که دل انسان می‌پذیرفت، با وجود اینکه خود کاملاً این مراحل درسی را طی کرده بود.

آن مرحوم، ذوق مخصوصی در تصحیح عبارات داشت و معتقد بود که هر جا یک عبارت، دارای پیچ و خم بوده و با تکلف معنی شود، قاعده ابتدائی، اشتباه بودن نسخه کتاب است و این نظریه، راهگشای بسیاری از مشکلات علمی بود.

ایشان بر این اعتقاد بود که فقه باید به گونه‌ای باشد که قابل پیاده شدن و عملی گشتن باشد، مثلاً در مسأله عدالت که برخی از علماء تفسیقات فراوانی در اصل این موضوع و در روش اثبات آن قائل بودند، می‌فرمود: قوانین اسلام که قوانین خیالی نیست، احکام بسیاری بر پایه عدالت تنظیم شده است مانند امامت جماعت، ولایت، قضاوت، شهادت، افتاء و طلاق و امور دیگر که اساس مجتمع بر آن استوار است، لذا نباید در این مسأله آن تنگ‌نظریهای عده‌ای را پذیرفت.

مسائل بسیاری را که فقیه باید به جهت ولایت، آنها را اعمال کند و فقهاء خودشان از نظر فقهی فتویٰ به جواز می‌دهند ولی به جهاتی مقصدی نمی‌شدند مانند طلاق زنی که شوهرش مفقود شده یا از دادن نفقه و کیشوة (پوشش و لباس مناسب) امتناع می‌ورزد، ایشان که محذورات خارجی نداشت این موارد را عهده‌دار می‌شد و می‌فرمود: اسلام که دین ناقص نیست، دین باید جوابگوی این احتیاجات و مشکلات باشد.

در ابتداء زمانی که رادیو اختراع شد، برخی از مقتدیین از گوش دادن به آن خودداری می‌کردند، ولی آن عالم متقی با اینکه در صف مقتدیین بود پای رادیو می‌نشست و می‌فرمود: معنی ندارد که این‌گونه وسیله اخباری حرام باشد زیرا اسلام یک دین جهانی است و باید احکام آن به تمام مردم عالم ابلاغ شود، حرمت چنین وسیله خبررسانی با جهانی بودن اسلام سازگار نیست.

خلاصه می‌فرمود: که بعد از مراجعه به کتاب و سنت و کلمات فقهاء به دست می‌آید که فقه ما فقهی است قابل عمل، و این سلیقه‌های شخصی ما است که گاهی باعث انحراف



آن از این مزیت می‌شود.

از مطالبی که ایشان می‌فرمود — و خود نیز بدان عامل بود — این بود که :
در جواب استفتاء نباید تشقیق شقوق کرد وگرنه سؤال کننده در فهم مراد، گیج شده و نمی‌تواند جواب را بر مورد سؤال تطبیق کند، بلکه باید بر طبق صورت متعارف در عرف مردم، پاسخ نوشت و عقیده داشت که بحثهایی را که متناسب با حوزه‌های علمیه است و به جهت تشحیذ ذهن و تقویت فکر، مفید می‌باشد، نباید با جواب استفتائی که مورد احتیاج مردم است مخلوط کرد، و خود ایشان نیز عملاً این دورا از هم جدا می‌کرد، بدین جهت جواب مسائل فقهی را خیلی کوتاه و مختصر و قابل فهم می‌نوشت.

اینها در مورد جهات فقهی آن مرحوم بود، در رشته‌های دیگر مثل کلام، ریاضی، ادبیات، تاریخ، بدیع و عروض، کارکرده و در موارد بسیاری صاحب نظر بود، بر غالب کتابهایی که مطالعه می‌نمود — از هرفن و رشته‌ای — حاشیه زده بود و در مواضع مختلف درکهای بسیار لطیف و ظریفی داشت و همچنانکه در ضمن تألیفات ایشان خواهید دید در رشته‌های مختلف، کتاب تألیف نمود.

فعالیت‌های اجتماعی

معظم له به هنگام اقامتشان در زنجان، علاوه بر اینکه از مبرزین فضلاء زنجان بوده و از مدرسین مهم سطوح در این شهر به شمار می‌رفتند، از نظر فعالیت‌های اجتماعی هم، شاید شخص منحصر به فرد این شهر بودند، در غالب فعالیت‌های دینی مربوط به اهل علم و گاه مربوط به مسائل مهم شهر، سهم عمده داشت. مرحوم آیت الله حاج سید محمد زنجانی (م ۱۳۵۵) که از بزرگان زنجان بودند، در مواقع ضروری با همکاری وی بازار را تعطیل می‌نمود، بستن بازار و باز کردن آن در واقع در دست این آقایان بود، هر چند که به حسب ظاهر در دست بعضی از رؤساء بازار قرار داشت، در سال ۱۳۴۴ که ابن سعود، قبور ائمه طاهرین را در مدینه خراب کرد، مرحوم آیت الله حاج میرزا مهدی میرزائی زنجانی که در رأس روحانیت زنجان قرار داشت و از فضلاء و مدرسین هم، مرحوم آیت الله زنجانی که ریاست طلبه‌ها را داشت، این دوبه شهرستانهای مختلف نامه نوشتند که روز هشتم شوال به عنوان ابراز انزجار از این جنایت هولناک، تعطیل



عمومی شود، ایشان می‌فرمود: من در روز هشتم شوال در یکی از شهرهای خارج ایران بودم، دیدم همه شهر تعطیل است، تعجب کردم و از علتش پرسیدم، گفتند: امروز هشتم شوال و مطابق با روزی است که وهابی‌ها دست به این فاجعه عظیم زدند.

مدرسه سید در زنجان که بزرگترین مدرسه این شهر و خیلی معتبر بوده و موقوفات بسیار مفصلی داشت و مرحوم آیت‌الله زنجان‌ی ۲۵ سال در آن به تحصیل و تدریس پرداخت، رتق و فتق این مدرسه و تعیین طلاب و اداره آن بطور عمده با ایشان بود (البته تولیت آن مدرسه با مرحوم آیت‌الله میرزا محمود امام جمعه بود)، آن فقید سعید در سال ۱۳۴۴ در زنجان کتابی به نام خیرالامور در ارائه روش وسط و به دور از افراط و تفریط نگاشت، از این رساله به درستی برمی‌آید که مؤلف بیداردل با شرائط و مقتضیات زمان آشنا بوده و اوضاع محیط را با نظری دوراندیش‌تر، می‌نگریسته است.

در قم نیز هنگام ریاست آیات عظام مرحوم حاج سید صدرالدین صدر (م ۱۳۷۳)، مرحوم آقا سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (م ۱۳۷۲) و مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری (م ۱۳۷۱) جلسات مشترک مراجع در مورد تصمیم‌گیری در امور مهم و کلی حوزه در منزل ایشان تشکیل می‌شد، جلسه مهم علماء بزرگ قم در مورد حوادث ۱۵ خرداد نیز در همین منزل برگزار شد.

پس از وفات مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی که مقام علماء بزرگ قم به خاطر عظمت آن مرحوم در پرده خفا قرار گرفته و چشم‌ها بطور طبیعی به جانب نجف خیره شده بود و در این هنگام که هیچ کس جرأت نمی‌کرد کسی از علماء قم را به عنوان مرجع تقلید معرفی کند، ایشان با شجاعتی بی‌مانند دو نفر از علماء قم و دو نفر از علماء نجف را برای تقلید معرفی کرد با اینکه خود ایشان در مظان این جهت و مورد توجه این مسئولیت بوده و معاصرینشان به این مطلب معترف بودند. این کار در آن اوان چنان شگفت‌انگیز می‌نمود که حتی یکی از بستگان نزدیک آن مرحوم نیز از این کار ناراحت شده و چون می‌پنداشت که عده‌ای در این ماجرا شدیداً به ایشان اهانت خواهند کرد، با لحنی تند با ایشان به بحث و گفتگو پرداخته ولی آن عالم بزرگ در جواب، علاوه بر مطرح کردن یک بحث فقهی کلی فرمود: من وظیفه خود را چنین تشخیص داده‌ام، اگر تمام عالم هم مرا مسخره کنند باز این حرف خود را خواهم زد،



علتش هم این است که در اینجا شاه می‌کوشد قدرت حوزه علمیه قم را از بین ببرد و نگاهها را از آن معطوف گرداند و تجربه هم ثابت کرده است که قم می‌تواند نجف را نگاهدارد ولی نجف به تنهایی نمی‌تواند قم را نگاهدارد، اگر این هر دو باشند مانند دو کفه ترازو هستند و هر دو محفوظ می‌مانند، آن شخص می‌گفت: من بعداً هر چه فکر کردم دیدم که اگر حاج آقا دست به این اقدام نمی‌زد مسلماً حوزه علمیه قم از بین می‌رفت و نامی از آن باقی نبود، مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی نیز می‌فرمود: ما اصلاً جرأت نمی‌کردیم از علماء قم نام ببریم، قدرت معنوی ایشان — که بواسطه آن حجت شرعی پیدا کردیم — سبب شد که ما بتوانیم علماء قم را معرفی کنیم، چون در مورد کلام آن مرد وارسته، کسی تخیل نمی‌کرد که برخاسته از هوا و هوس و مسائلی از این قبیل باشد.

در این اواخر برخی از افراد، از ایشان درخواست می‌کردند که رساله عملیه بنویسند، حتی بعضی بعد از رحلت مرحوم آیت الله حجت، اصرار داشتند که ایشان نان حوزه را که آیت الله حجت تأمین می‌کرد، عهده دار شود، ولی این گونه مطالب برای ایشان خیلی مشکل بود و می‌فرمود اگر یک نفر پیدا شود که این امور را عهده دار شود و من الزام شرعی نداشته باشم، قلبم هیچ رغبت به این کارها ندارد، اکنون هم که دیگر علماء صلاحیت دارند و ضرورتی در بین نیست. البته در عین حالی که آن مرحوم رساله نوشته بود ولی افراد نسبتاً زیادی، مسائل خود را از ایشان پرسیده و مقلدشان بودند.

هنگامی که مرحوم آیت الله حجت، مدرسه حجتیه را تأسیس کرد، نظارتش را به آن عالم وارسته واگذار نمود و بدین جهت ایشان در کارهای مدرسه دخالت می‌کرد، مرحوم آقای حجت، نوشتن مقداری از جواب استفتاءها را به ایشان واگذار کرده بودند؛ و همچنین مرحوم آقای حجت که در مسجد بالاسرو صحن کوچک نماز جماعت می‌خواندند از مرحوم آقای زنجانی درخواست کردند که در غیابشان امامت جماعت را عهده دار شوند، بدین جهت در یکی دو سال اواخر حیات مرحوم آقای حجت که به علت بیماری، خیلی کم به نماز تشریف می‌آورد، مرحوم آقای زنجانی نماز را اقامه می‌نمود، در مدرسه فیضیه نیز که ظهرها نماز

.....

۱ — آشنایان و نزدیکان مرحوم آیت الله زنجانی از ایشان با عنوان «حاج آقا» تعبیر می‌کردند.



جماعت بر پا نمی‌شد، برای اولین بار ایشان اقامه جماعت نمودند. از ویژگیهای دیگر ایشان این بود که در قضاء حوائج مردم، بسیار ساعی بود و اموری از قبیل رعایت شئون و مقام که برای برخی مانع انجام کار نیک می‌شد، بر ایشان مانع نبود، در این زمینه در ضمن خصوصیات اخلاقی بیشتر سخن خواهیم گفت.

خصوصیات اخلاقی

آن فقیه بزرگوار از هوای مال و جاه کاملاً پاک بود، فرزند ایشان حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی می‌گوید: در مدتی که من با ایشان بودم حس نکردم که یک قدم برای مقام بردارد و همینطور در مسائل مالی.

وی در امور، خود کار را در نظر می‌گرفت، اینکه ارزش بعضی از امور با وجوه و اعتبارات فرق می‌کند، یکی از وجوه و اعتبارات در نظر آن مرحوم، انتساب به «من» نبود که این کار را اگر «من» انجام دهم خوب است و اگر دیگری انجام دهد، بد، بلکه به کارهایی که آن را خوب تشخیص می‌داد اقدام می‌نمود و هر کس نیز انجام می‌داد تشویق و تأیید می‌کرد، افرادی هستند که در اثر حب نفس، کارهایی را که برای دیگران عیب می‌دانند و به آنها اعتراض می‌کنند، اگر خودشان همان را انجام دهند، هیچ از خود انتقاد نمی‌کنند ولی در ایشان عکس این حالت وجود داشت، کارهای دیگران را تا حد مقدور توجیه نموده و برای آنها محمل صحیحی پیدا می‌کرد ولی چه بسا اجازه ارتکاب همان کار را به خود نمی‌داد.

از ویژگیهای بارز آن مرد الهی که دوستان و آشنایانشان آن را به وضوح احساس می‌کردند، مسأله توکل بود، آن مرحوم هیچ وقت غصه آینده را نمی‌خورد و در کارها به خداوند اتکال می‌کرد و با تمام وجود خویش به این معنی ایمان داشت، داستانهای در این زمینه از ایشان حکایت شده است که ذکر آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

از دیگر خصوصیات ایشان مسأله شکر بود، هم شکر خالق، هم شکر مخلوق، اگر از کسی مختصر محبتی می‌دید، آن را از نظر دور نمی‌داشت و به جهت توقع نداشتن از اشخاص، روح شکرگذاری در وی پدید گشته بود، در مورد نعم الهی نیز به نحو عجیبی به آن نعمت‌هایی که معمولی افراد از آن غافلند متوجه بوده و شکرگزار آنها بود، از مرحوم آیت الله حاج شیخ



مرتضی حائری (م ۱۴۰۶) نقل شد که می فرمود: آقای زنجانی مرد کاملاً صادق و درستی بود، شنیده ام که در وصیت نامه شکرهائی کرده است، این شکرها همه اش راست بود و مصنوعی نبود بلکه از درون قلب ایشان برخاسته بود.

آن مرحوم نسبت به عموم، خیرخواه و به نوع مردم علاقمند بود، و بدین جهت بود که تا حد امکان افعال مؤمنین را حمل بر صحت می کرد و همین ویژگی سبب شده بود که در قضیه حوائج مؤمنین بسیار ساعی باشد، هر کار را اگر محذور شرعی نداشت، هر چند مشکل و سخت بود، متکفل می شد و از اینکه حاجت یک انسان گرفتار و دردمند را رفع نموده است خوشنود می شد، علاوه بر روح خیرخواهی، آزادی از بند تعینات دنیوی و تشریفات ظاهری، به وی امکان می داد که کارهای بسیار مهم را به راحتی انجام دهد، مسأله حل مشکلات خانوادگی از این باب است، شخصی که به تقوا معروف نبود از دنیا می رود، نزد عده ای از علماء می روند که بر جنازه او نماز بخوانند ولی آنها حاضر نمی شوند، پیش ایشان می آیند و ایشان بر آن میت نماز می گزارد و می گوید: شرط نماز میت عدالت متوقی نیست بلکه مسلمان بودن وی کافی است، این شخص هم مسلمان بود هر چند که مسلمان فاسقی بود.

همچنین از مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری حکایت شد که مرحوم آیت الله زنجانی را از نظر شجاعت خیلی عجیب می دانست و می فرمود: مطالبی را که هیچ کس جرأت گفتن و انجام دادن آن را ندارد، ایشان به آن اقدام می کند و از هیچ کس هم وحشت و باکی ندارد، البته منشأ این مطلب همین بود که در مقابل مصالحی که تشخیص می داد پای بند تعریف این و آن و جهات ظاهری نبود بلکه تنها جنبه های الهی مسأله را در نظر می گرفت و خداوند هم طبق وعده ای که داده است، وی را یاری می داد، و به همین علت بود که به تعبیر خود آن مرحوم، ایشان کارهای زمین مانده را انجام می داد و می فرمود: مثلاً یکی از کارهای زمین مانده فهرست نویسی کتب اربعه است؛ این کتابها نیاز به فهرست دارد ولی این کار انجام نمی گیرد زیرا اگر افراد بی صلاحیت، فهرست بنویسند بدرد نمی خورد، افراد صالح هم این کار را در شأن خود نمی بینند، در نتیجه این مهم به سرانجام نمی رسد ولی آن مرد رهیده از بندهای مادی می فرمود: این خدمتی است و باید عملی گردد.

ویژگی دیگر ایشان عبادت و تهجد زیاد بود، با چنان شوقی نماز شب می خواند و



دعاهای آن را قرائت می‌کرد که انسان را زیرورو می‌نمود، و انسان می‌فهمید که معانی عمیق این ادعیه در وی حلول کرده است، و خواندن نماز شب را هم را از دوران جوانی خود شروع کرده بود، به زیارت اهل قبور در بعد از ظهر پنجشنبه‌ها مقید بود؛ آن هم در شرایط سخت و دشوار آن زمان. روزها بسیار قرآن می‌خواند البته نه به جای کارهای علمی و قضاء حوائج مردم بلکه در وقت‌های کوتاهی که معمولاً تلف می‌شود.

اما با اینهمه عبادت، از خشک مقدسی، بسیار متنفر بود، از اشخاص متظاهر به قدس و تقوی که همه چیز را در عبادات خلاصه می‌کنند و فاقد جهات نفسی بوده و این را برای خود عنوانی درست کرده و نسبت به حقوق اشخاص بی‌قید هستند و از نظر تفکر، تفکری خیلی خرافی دارند، بسیار کراحت داشت.

برخی چیزهاست که به صلاح مجتمع است ولی جنبه‌های خرافی مانع انجام آنها می‌شود و کارهای دیگری هم هست که برخلاف مصالح است ولی عده‌ای که یا روحاً عوامند و یا برای خوشایند عوام به آن کارها دست می‌زنند، ایشان از اینگونه مسائل بسیار نفرت داشت و از آنها اجتناب می‌کرد. از شواهد حریت و بی‌آلایشی ایشان مطلبی بود که خودشان می‌فرمودند: در ابتداء طلبگی ما، چتر در بین طلاب مرسوم نبود، من گفتم که این چه معنی دارد که ما به خاطر امور موهوم، باران بخوریم، من چتر برداشتم و دیگران هم تبعیت کردند و این رسم شکست. آن مرحوم در مشهد در نماز مرحوم آیت الله میلانی شرکت می‌کرد، وقتی به ایشان عرض می‌شود که مقدسین مشهد معمولاً پشت سرفلان آقا نماز می‌خوانند نه آقای میلانی در پاسخ می‌فرماید: من از او جز تعریف مطلبی دیگر نشنیده‌ام اما شنیده‌ام که کارهای غیر متعارف انجام می‌دهد، مثلاً نان را در خانه خودش می‌پزد و این قبیل امور و این جور افراد غیر متعارف به دلم نمی‌چسبد، آخر ما اهل این زمانیم، باید با مردم زندگی کنیم، دستور پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین (ص) اینگونه نیست، خلاصه من از این افراد لذت نمی‌برم.

مرحوم آیت الله زنجانی به همه اشخاص احترام می‌گذاشت، از یک بچه کوچک تا شخصیات بزرگ علمی، و با همه به فراخور حالشان رفتار می‌کرد، و با وجود اینکه گاهی عصبانی می‌شد ولی در بحثها اگر احساس می‌کرد که ادامه آن، به جدال و مراء می‌انجامد، سکوت اختیار می‌کرد.



وی در کارها بسیار منظم و خوش سلیقه بود، در رابطه با این خصلت نیکومی توان از همان فهرست نویسی اسم برد، کتابهایی را که در اختیار داشت اگر شماره صفحه نداشت شماره گذاری می کرد و در صورت لزوم عناوینی برای مطالب، انتخاب می کرد. برای همه امور خود وقت خاصی تعیین کرده بود، حتی لحظات کوتاهی را که افراد بدان بی توجهند در نظر می گرفت، مثلاً صبح ها پس از مراجعه از نماز جماعت تا آماده شدن صبحانه حدود ده دقیقه فرصت بود که انسان در این مدت به هیچ کاری نمی رسد، اما ایشان این دقائق را به نوشتن قرآن و ادعیه بسیار بر روی کفن خود - که مستحب است - اختصاص داده بود، و یکی دیگر از خصوصیات آن مرحوم وفای به عهد بود و بطور کلی با وفا بوده و دوستان و آشنایان خود را در لحظات حساس زندگی آنان، فراموش نمی کرد، شرح تفصیلی ویژگیهای این مطلب خود مجال بیشتری می طلبد.

فرزندان آن مرحوم

فرزندان ذکور آن عالم جلیل القدر عبارتند از:

* ۱ - حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانى مدظله (متولد ۸ رمضان ۱۳۴۶)، پسر بزرگ ایشان که شدیداً مورد علاقه و عنایت والد معظمشان بود، وی از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بوده و سالهاست که به تدریس درس خارج مشغول هستند، ایشان شخصیتی متفکر در فقه و اصول و صاحب نظریات دقیق در این دو رشته و رشته های وابسته خصوصاً رجال و درایه بوده و از معدود افرادی است که در این رشته ها تخصصی بسیار سطح بالا و تبحری فوق العاده دارند.

* ۲ - جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر شبیری دامت برکاته (متولد صفر ۱۳۵۵) که از رجال علمی بسیار صالح و بافضیلت و مخلص و فداکار بوده و از ائمه جماعت طهران هستند و پس از انقلاب در پُستهای مهم قضائی به خدمت مشغول بوده و اکنون سرپرست یکی از شعب دیوانعالی کشور می باشد.

* ۳ - جناب حجة الاسلام حاج سید ابراهیم شبیری (متولد ۲۸ رمضان ۱۳۵۷) وی علاوه بر فضیلت و کمال، در حسن سیرت و خدمت به دین و ملت از افراد ممتاز بوده و اکنون



علاوه بر تدریس از انجمن جماعات تهران می‌باشد.

آثار و تألیفات

مرحوم آیت الله زنجانی دارای تألیفات فراوانی در رشته‌های مختلف می‌باشد که در مجموع به ۶۰ عنوان - از رساله‌های کوچک گرفته تا کتابهای مفصل - می‌رسد، مجموعه آثار آن مرحوم در ضمن کتاب آشنائی با چند نسخه خطی، فهرست و معرفی شده است؛ که ما در اینجا تنها برخی از کتب ایشان را ذکر می‌کنیم، سعی ما بر این است که از هر یک از رشته‌های مختلف لا اقل کتابی معرفی شود:

۱ □ - اربعین: در چهار جلد، در هر یک شرح و ترجمهٔ چهل حدیث.

۲ □ - افواه الرجال: تقریرات دروس اساتید در فقه، جلد اول این کتاب و نیمی از جلد دوم آن، تقریرات درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی می‌باشد که تقریباً تمام کتاب صلاة و بخشی از کتاب نکاح را دربر دارد و «ما فوق المراد» نام دارد، در ادامهٔ جلد دوم نیز تقریرات درس مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد آقازاده در احکام وقف و احکام تیمم و جبیره، و درس مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد صادق اصفهانی، در لباس مشکوک و درس مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضا اصفهانی در برخی از احکام نجاسات و میاه آمده است.

۳ □ - ایضاح الاحوال فی احکام الحالات الطارئة علی الاموال: در این رساله مواردی را که به خاطر پیش آمدن شرائطی خاص، تصرف در مال شخص بدون اجازه او روا و جائز است در ۲۲ عنوان برشمرده و گرد آورده است، نسخه موجود تحریر دوم این کتاب است، تحریر نخست و مبسوط‌تر آن، نزد شخصی امانت بوده و به مؤلف بازگردانده نشده است.

۴ □ - ایمان و رجعت: در پاسخ و نقد رساله اسلام و رجعت نوشته فرید تنکابنی از شاگردان شریعت سنگلجی.

۵ □ - بین السیدین: در این کتاب موارد اختلاف میان نظرات و فتاوی دوتن از مشهورترین فقهاء قرن چهاردهم: مرحوم آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی در عروة و مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی در حاشیهٔ آن، نقل شده و بعد از ذکر دلیل



طرفین حق در مسئله بنظر مؤلف، بیان گردیده است.

- ۶ □ - تعلیقه علی کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه: از آنجا که اصل کتاب آراء امامیه را در بر نمی‌گیرد؛ مؤلف در این اثر سودمند در ذیل هر مسأله، رأی مشهور میان شیعه امامیه را در آن مسأله به عنوان تعلیقه بیان نموده است، از این کتاب دو تحریر در دست است که یکی به صورت مستقل و دیگری به همراه متن، قابل استفاده می‌باشد.
- ۷ □ - الرد علی القصیمی، مؤلف در این رساله، مقدمه کتاب «الصراع بین الاسلام و الوثنیة» تالیف عبدالله علی قصیمی را که در رد تشیع نگاشته، نقض نموده است.
- ۸ □ - غیث الربیع فی وجه البدیع، به فارسی، این رساله را ایام اقامت خود در زنجان نوشته‌اند و اکنون تنها چهار برگ آن در نوشته‌های ایشان دیده می‌شود.
- ۹ □ - فروق الاحکام، به عربی در فرق میان موضوعات مشترک در حکم می‌باشد.
- ۱۰ □ - فروق اللغة، رساله کوچکی است در فرق میان واژه‌های عربی.
- ۱۱ □ - فهرست جامع الشتات، تالیف میرزای قمی (م ۱۲۳۱)، اساس این فهرست، همچنانکه در مقدمه نسخه چاپی گفته شده از دیگری است که بوسیله ایشان تکمیل گردیده و با دو چاپ دیگر کتاب نیز سنجیده شده است.
- ۱۲ □ - رساله قبله، رساله‌ای است که بعنوان مقدمه بر رساله معرفه القبلة سرتیب عبدالرزاق خان بغایری نوشته شده است.
- ۱۳ □ - الکلام یجر الکلام، مجموعه‌ای است از متفرقات ادبی و تاریخی و علمی و متنوعات دیگر که به سبکی خاص ترتیب یافته است، جلد اول و دوم این کتاب چاپ شده و دو جلد دیگر آن مخطوط است.
- ۱۴ □ - مستثنیات الاحکام، که در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است. در مقدمه این کتاب آمده است:
- «... اما بعد لما كانت المستثنیات من ابواب الفقه مما يغفل عنها غالباً اذ كثيراً ما يذهب الذهن الى القاعدة على غفلة عن انخراطها بالاستثناء، حتى اتفق لكثيرة من مهرة الفن التمسك بكلية القاعدة في مورد قامت بالضرورة بخروجه عنها فدعاني ذلك الى تأليف كتاب مستقل في خصوص المستثنیات».



چند نمونه از مسائل آن :

• يجب الاخفات في قراءة الظهر الآ في يوم الجمعة فإنه يستحب فيه الاجهار بها في الاولين.

• تقبل شهادة العدل الآ على والده في حال حيوته.

• لولى الدم العفوعن القصاص اوالدية الآ الامام فانه ليس له العفوعنهما ولكن له الشفاعة عندالله في العفوعن جناياتنا على انفسنا اللهم اعف عنا وتقبل ذلك منا وابته نباتاً حسناً بمحمد وآله.

□ ۱۵ - شرح استدلالی کتاب فوق و مستدرکات آن بنام مستنبطات الاعلام.

□ ۱۶ - مقدمه تفسیر تبیان، سرگذشت شیخ طوسی است که برای چاپ اول تبیان (چاپ سنگی) فراهم شده بود لیکن در آن چاپ، این مقدمه را تلخیص کرده و به عنوان شخصی دیگر به چاپ رسانیده اند.

□ ۱۷ - مناسک حج که با نام اعمال حج چاپ شده است.

□ ۱۸ - نصاب سه زیانه، صد بیت در ده بحر عروضی، لغات، در این نصاب نخست به عربی و سپس به مرادف فارسی و آنگاه به مرادف ترکی آن ذکر شده و در آوردن مرادف از هر زبان، دقت و عنایتی خاص، اعمال شده است.
بیت آغاز آن چنین است :

قمر، ماه و آی، شمس و خورشید، گون جبل، کوه، داغ، صیحه، آواز واون

□ ۱۹ - الهدی الی الفرق بین الرجال والنساء، در این کتاب فرقه‌های بین مرد و زن در شریعت اسلامی، به نحو استدلالی بیان شده است، مؤلف پس از تألیف این کتاب، آن را از استدلال مجرد ساخته و رساله دیگری به نام «الفرق ما بین الرجال والنساء» ترتیب داد.

□ ۲۰ - ملحقات کتاب تقویم الصلاة، اصل کتاب از محمد طاهر بن رضی الدین محمد حسینی (سده ۱۱) می‌باشد، مرحوم آیت الله زنجانی مسائل و احکام یاد شده در این اثر را با فتاوی مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی صاحب وسیله، تطبیق نموده و موارد اختلاف را به عنوان حاشیه بر آن نوشته است، این رساله در آغاز اصل کتاب در آذر ۱۳۲۴ چاپ شد.



قسمتی از وصیتنامه آن مرحوم

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از اقرار به وحدانیت خداوند متعال جلّت آلاءه و رسالت حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (صلوات الله و سلامه علیه و آله) و ولایت دوازده اوصیاء آن بزرگوار که اول آنها حضرت علی بن ابیطالب و آخر آنها حضرت حجة بن الحسن (سلام الله علیهم) است و اینکه حلال محمد (ص) حلال است تا روز قیامت و حرام محمد (ص) حرام است تا روز قیامت و اینکه روز جزا و ثواب و عقاب [حق] است، عرض میکنم:

خداوندا به عدد بیماران و سر و دست شکستگان عالم که در بیمارستانهای عمومی و بسترهای خصوصی، شب و روز می نالند، به درگاهت شکر که ما را منتعم به نعمت صحت کرده و مبتلا به اینگونه دردها نکرده ای.

خداوندا بشمارهٔ مجانین و دیوانگان عالم که در تیمارستانها با زنجیر و زجر و فشار روزگارشان می گذرد، به درگاهت شکر که ما را منتعم به نعمت تمیز سیاهی از سفیدی کرده و مبتلا به این بلیه نکرده ای.

خداوندا بعدد گرفتاران دادگستری که سالیان دراز با خرج گزاف، مبتلا به قوانین کش دار و تمدید مدت بیشمار شده اند، بدرگاهت شکر که ما را گرفتار اینگونه مصائب نکرده ای.

خداوندا بعدد ارباب رجوع ادارات از شهربانی و شهرداری و دارائی و غیره که برای یک امر جزئی، هم کفش شان و هم در جیب شان پاره می شود، به درگاهت شکر که ما را در عداد آنها قرار ندادی ولی آرزوی زیارت مشاهده مبارکهٔ ائمهٔ عراق را دارم که در اصدار گذرنامه اش، کفش و در جیب را پاره کرده باشم.

خداوندا بشمارهٔ افیونیها و هروئینیها و سایر زهرماریهای عالم که جان و مال خودشان را در این راه تمام کرده، نیمه جان در کوچه ها می لولند، به درگاهت شکر که ما را مبتلا به اینگونه بلاهای خانمان سوز نکرده ای.

خداوندا بعدد وسواسیهای عالم که عمر خودشان را در سودای جنون آن تلف کرده، با ناراحتی روزگارشان را می گذرانند، بدرگاهت شکر که ما را از این بلا نگاه داشتی.



خداوندا بعدد سرمایه داران عالم که گرفتار از دیاد ثروت شده، شب و روز دوندگی کرده، خواب و خوراک را بر خود حرام نموده، به زندگانی فقرا گذران می‌کنند، به درگاهت شکر که ما را گرفتار چنین ثروت ناپایدار و حال نکبت بار نکردی.

خداوندا بعدد تهی‌دستان عالم که شکم‌شان با نان خالی سیر نمی‌شود، به درگاهت شکر که ما را برخوردار از نعم لایتناهی کرده‌ای.

خداوندا بشماره صاحبان اهل و اولاد نا اهل که با جنگ داخلی، غذای شیرین در کامشان تلخ است، به درگاهت شکر که ما را متنعم به نعمت اهل و اولاد صالح کرده‌ای که من از آنها راضی هستم، تو هم راضی شو.

خداوندا بعدد تمامی گرفتاران عالم که هر یک بنحوی گرفتاری دارند، به درگاهت شکر که ما را گرفتار نکرده‌ای.

خداوندا نعمت‌های تو نامحصور است، ولی ما غفلت از آن داریم، یاد آن نعمت نمی‌کنیم مگر در موردی که شخصی را که فاقد آن نعمت است ببینیم آنگاه متذکر قدر آن نعمت می‌شویم، مثلاً کور و عاجزی را ببینیم، آنگاه متذکر نعمت چشم بشویم، لال و کر را مشاهده کنیم، آنوقت نعمت زبان و گوش را یادآور شویم، به اشخاص بی دست و پا برخورد کنیم، قدر نعمت دست و پا را بدانیم و هكذا از مشاهده حال فاقد یکی از نعم الهیه، حال خود را یادآور می‌شویم که الحمد لله واجد این نعمت هستیم. خداوند این نعمتها را که به ما مرحمت فرموده از ما نگیرد به حق مقربان درگاهش.

وصیت بر فرزندان عزیزم می‌کنم ذکوراً و اناثاً بلا واسطه یا مع الواسطه ما تناسلوا و تعاقبوا، آنچه را که بزرگان بر ما وصیت کرده‌اند از تقوا و پرهیزگاری و توکل به خدا و قطع امید از مردم دنیا.

فرزندان عزیزم خداوند متعال به ما نعمت نامحصور مرحمت فرموده، هیچ التفات به نعمت صحت دارید که کور نیستی، کر نیستی، دیوانه نیستی، افلیج نیستی در یوزه نیستی توانگر پر دخل و کم روزی نیستی که با زندگانی فقرا حساب اغنیاء را پس بدهی، ورشکست نیستی که مالت از قرار تومانی سه قران قسمت غرما بشود، تریاکی نیستی و سواسی نیستی در بیمارستان بستری نیستی در تیمارستان بسته نیستی، چه نیستی چه نیستی، هزاران



جور از این نکبتها و گرفتاریها که هریک، هزاران گرفتار دارد تونیستی، اگر با تأمل به قعر آن بروی خواهی گفت:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدرآید
از مرحله تشکر گذشته در مرحله توکل نیز، قطع امید از مردم دنیا کرده فقط خدا را در نظر داشته باشید.

به امید توای خداوندگار نه امید این مردم روزگار
در زندگانی نیز هر چه بتوانید شاد و آزاد باشید تا روزگار بخوشی و راحتی بگذرانید و الّا با قید موهومات خود را ببند انداخته، سلب آسایش از خود خواهید کرد، یکی از گرفتاران بیماری کبر را دیدم که شکایت از اوضاع درونی خود داشت می گفت شبها خوابم نمی برد، فکر نمی گذارد خواب به چشم بیاید (کدام فکر؟ همین فکر موهومات که فلانی چرا بالا تر از من بنشیند و جلوتر از من برود، اینگونه غصه و اندوه خواب را بر چشم او حرام کرده) سفارش مهم من اینست که اینگونه موهومات را بر خود راه ندهید، بگذارید که هر که میل دارد که بالا تر از تو بنشیند، جلوتر از تو برود، در بند آن مباش.

اکنون اگر عرض کنم که دود نکشید پیشرفت نمی کند، دعای نامستجاب است چون بر هر که بنگریم بر این درد مبتلا است، ولی عرضم اینست زیاد نکشید، مقصودم توتون و تنباکو است و الّا دود تریاک و شیر و امثال این را جداً نهی می کنم، بلکه حضور در مجلسی را که در آن دود تریاک بلند است، نهی میکنم بلکه نفرین میکنم بر آن کس از اولاد من که لب به اینگونه کثافتها بزند، خداوند همه آنها را به تومی سپارم که از این کثافتها آنها را نگه داری، هروین و امثال آن که مصیبت تازه ایست، جوانان این کشور را در خود هضم کرده، به خداوند استغاثه می کنم که اولاد مرا از این گونه بلاهای جانسوز نگهدارد.

سفارش دیگر من، در امر ازدواج سخت گیر نباشید، به سهولت دختر شوهر بدهید مهرش را سنگین نکنید از این مراسم کمرشکن که عوام از مردم مرسوم کرده اند، دوری کنید، همینقدر در انتخاب طرف، نجابت و دیانت و حسن خلق را معیار قرار دهید، آنگاه با استخاره اقدام به امر فرموده، باقی را به خدا واگذار کنید، خداوند کافی مهمات است.

این هم ناگفته نماند گرچه اشاره کردم که در زندگانی آزاد باشند، از فروع آزادی



یکی هم این است که نه جلال باشند و نه ذوالجلال، به این معنی نه دنبال کسی بیفتد که جلال او باشند و نه کسی را به دنبال بیندازند که ذوالجلال او باشند، اگر به این روش رفتار کردند به راحتی زندگانی خواهند کرد ...

منابع

منبع اصلی در تهیه بیشتر قسمت های این شرح حال، بیانات حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی بود. علاوه بر آن از سخنان فرزندان دیگر آن مرحوم نیز بهره گرفته شده است، در تنظیم تألیفات آن مرحوم بیش از همه از کتاب آشنائی با چند نسخه خطی (دفتر اول، کتاب شناسی آثار مرحوم آیت الله زنجانی، تألیف حجج اسلام جناب آقای استادی و مدرسی طباطبائی، چاپخانه مهر، قم شوال ۱۳۹۶) ص ۱۵۷ به بعد استفاده گردید.

کتابهای زیر نیز در تنظیم این نوشتار، مورد مراجعه و استفاده واقع شد.

- ۱ - آئینه دانشوران، سید ریحان الله یزدی، اقبال، تهران، ۱۳۵۳ ه.ق، ص ۷۰.
- ۲ - سرگذشت یک ساله مرحوم آقای زنجانی، تاریخ زندگی ایشان از ۱۱ ذی قعدة ۱۳۳۱ تا دهه دوم ذیحجة ۱۳۳۲، تجدید نظر و حواشی در سال ۱۳۷۷، نسخه این کتاب خطی است و هم متن و هم حواشی هر دو مورد استفاده بوده است.
- ۳ - علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی تبریزی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، تبریز، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۶۶ ه.ق، ص ۲۸۹-۲۹۰.
- ۴ - الکرام البررة، شیخ آقا بزرگ طهرانی، دارالمرتضی للنشر، مشهد، ج ۲، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۶۱.
- ۵ - مقدمه کتاب القضاء: اصل کتاب از میرزا عبدالرحیم فقهائی زنجانی، مقدمه از کمال الدین فقهائی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ۶ - نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ طهرانی، دارالمرتضی للنشر، مشهد، ج ۲، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۷/۱، ۴۹، ۵۰، ۸۰، ۱۱۶، ج ۲ ص ۷۴۷؛ ج ۳ ص ۱۱۵۵، ۱۱۵۷.
- ۷ - نوابغ الرواة، شیخ آقا بزرگ طهرانی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۰ ه.ق، ص ۳۱۰.

بقیه از صفحه ۷۳

اگر مطلبی از مسلمات اسلام بود، و دلیل قطعی از کتاب و سنت بر آن اقامه شده بود، و بنظر می آمد که عقل نمی تواند آن را اثبات کند، می فهمید مطلب درست است، ولی قوانین و قواعد عقلی هنوز به جانی نرسیده که آن را اثبات کند، و لذا فیلسوف در مقام کشف آن، و کشف طرق واصل به آن بر می آمد، و اگر مطلبی، از مسائل مسلم عقلی به حساب می آمد، و بعضی ظواهر غیر قطعی دینی بر حسب ظاهر با آن تنافی داشت. این دلیل عقلی را قرینه ای برای تصرف در ظهور آن دلیل نقلی به حساب می آورد.

۷- برای کسانی که معتقد به وحی هستند،

این فرآورده ها اطمینان بخش است، و به عنوان یک واقعیت روانی تلقی می شود، ولی برای آنکه دانشمند، کار علمی خود را با روش خاص ادامه دهد، می تواند آنچه را که از وحی استفاده می شود، به آزمون بکشد، تا اینکه بهتر تطابق حق و علم را درک کند، البته گاه علم، وسائل لازم را برای کشف یک قانون علمی در دست ندارد، و یا فاقد نظریاتی است که به عنوان مقدمه از آنها می باید استفاده کرد، که در این هنگام باید منتظر بلوغ علم راجع به این نظریه باشیم، ولی علی ای حال کسی که به وحی پایبند است از این نظریه با اطمینان خاطر استفاده می کند.

oo



بقیه از صفحه ۲۴

بود، حکم بر پرداخت دو برابر دیه ذمی کرد یعنی برای او پرداخت دیه کامل را واجب نمود زیرا دیه ذمی نصف دیه مسلمان است و احمد هم از همین نظر پیروی کرده است.

عرض می شود: قسمتی از آنچه که در این تقسیم بندی آمد با نظر علمای امامیه مطابقت ندارد و ما آنرا بمنظور ذکر کلیه آراء علمای اسلامی در اینجا آوردیم.

